



## The Role of Intention in Criminal Responsibility in Jurisprudence, Criminal Law of Iran and France

Mehdi Yousefi<sup>1</sup>, Seyed Sajjad Kazemi\*<sup>2</sup>, Ahmad Falahi<sup>3</sup>

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Malayer University, Malayer, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 1-14**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0002-9943-3150

**TELL:** +989183861934

**Email:** sskazemi92@malayeru.ac.ir

**Article history:**

**Received:** 02 Mar 2023

**Revised:** 29 Apr 2023

**Accepted:** 04 May 2023

**Published online:** 20 Mar 2024

**Keywords:**

*Intention, Criminal Responsibility, Jurisprudence, Criminal Law, Iran, France.*

### ABSTRACT

Volition as an important component of the psychological element of crime is one of the important issues of criminal law, whose role in the realization of criminal responsibility has different dimensions and has always been the solution of debates and opinions. In this article, an attempt has been made to examine the role of volition in criminal responsibility from the perspective of Iranian and French jurisprudence and law. The current article is descriptive and analytical and has investigated the mentioned question by using the library method. The findings indicate that both in Iranian jurisprudence and French law, although material behavior is necessary for the realization of criminal responsibility, it is not sufficient and it is necessary that this behavior is done with free volition. Therefore, if the perpetrator does not have the volition to carry out that behavior, no type of criminal responsibility volition be realized. In fact, the basis of criminal responsibility is the volition of the behavior. If a person does not have the right to freely choose his own behavior, which means that he lacks freedom of volition or there is no opportunity for him to choose his behavior, then he cannot be held criminally responsible. In Iranian jurisprudence and law, lack of volition in cases such as coercion, reluctance, sleep and anesthesia is a civil liability. In French law, coercion in a way that is out of tolerance, as well as drunkenness and any mental disorder that destroys the volition, are responsible for blasphemy. Of course, in both Iranian and French laws, in cases such as drunkenness, the removal of responsibility does not mean the removal of compensation, and the perpetrator must compensate the damage caused to the victim.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

**How to Cite This Article:** Yousefi, M; Kazemi, SS & Falahi, A (2024). "The Role of Intention in Criminal Responsibility in Jurisprudence, Criminal Law of Iran and France" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(1): 1-14.



انجمن علمی فقه‌جرای تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌جرای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جرای تطبیقی

دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

## نقش اراده در مسؤولیت کیفری در فقه، حقوق کیفری ایران و فرانسه

مهدی یوسفی<sup>۱</sup>، سیدسجاد کاظمی<sup>۲\*</sup>، احمد فلاحی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

### چکیده

اراده به‌عنوان مؤلفه مهم عنصر روانی جرم از موضوعات مهم حقوق کیفری است که نقش آن در تحقق مسؤولیت کیفری دارای ابعاد مختلفی بوده و همواره حل بحث و نظر بوده است. در این مقاله تلاش شده به بررسی نقش اراده در مسؤولیت کیفری از منظر فقه و حقوق ایران و فرانسه پرداخته شود. مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که هم در فقه و حقوق ایران و هم در حقوق فرانسه، رفتار مادی اگرچه برای تحقق مسؤولیت کیفری ضروری است اما کافی نیست و لازم است که این رفتار با اراده آزاد صورت گرفته باشد. از این‌رو، اگر مرتکب اراده‌ای در انجام آن رفتار نداشته باشد هیچ نوع مسؤولیت کیفری تحقق نخواهد یافت. در واقع مبنای مسؤولیت کیفری، ارادی بودن رفتار است. اگر فردی آزادانه حق انتخاب رفتار ارتكابی خویش را نداشته باشد بدین معنی که فاقد آزادی اراده باشد یا مجالی برای انتخاب رفتار توسط وی وجود نداشته باشد، نمی‌توان برای وی مسؤولیت کیفری قائل شد. در فقه و حقوق ایران فقدان اراده در مواردی چون اجبار، اکراه، خواب و بی‌هوشی رافع مسؤولیت مدنی است. در حقوق فرانسه نیز اجبار به‌نحوی که خارج از تحمل باشد و همچنین مستی و هرگونه اختلال روانی که اراده را زایل کند رافع مسؤولیت کفری است. البته هم در حقوق ایران و هم در حقوق فرانسه در مواردی چون مستی، رفع مسؤولیت به‌معنای حذف جبران خسارت نبوده و مرتکب باید خسارت واردشده به زبان دیده را جبران نماید.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۴

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۳۱۵۰-۹۹۴۳-۲۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۸۳۸۶۱۹۳۴

ایمیل: sskazemi92@malayeru.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

اراده، مسؤولیت کیفری، فقه، حقوق کیفری، ایران، فرانسه.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

مسئولیت از مسائلی است که در بحث‌های کیفری با اختلاف نظر و گاه ابهام همراه است. عدم تبیین مفهوم و ماهیت اراده و روند تکوین اراده، موجب بروز مشکلاتی در حقوق کیفری از جمله در بحث مسئولیت کیفری می‌گردد. تحلیل گستره معنایی اراده، ارتباط تفکر با اراده و عمل، رابطه اراده با عنصر روانی، نقش آزادی اراده در مسئولیت کیفری، عوامل مؤثر بر مسئولیت کیفری و همچنین فلسفه چرایی توجه به عوامل مؤثر بر مسئولیت کیفری، از جمله مسائلی است که برای ابهام‌زدایی از مفهوم اراده در حقوق کیفری لازم است مورد بررسی قرار گیرد. در بحث ارکان مسئولیت کیفری، ضرورت دارد تقصیر و عناصر اهلیت جزایی ادراک و اختیار مبتنی بر اراده آزاد در مرتکب جرم توسط مقام قضایی اثبات گردد. همچنین در تعیین و اجرای مجازات‌های تزییری، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اراده مجرمانه، مانند انگیزه و وضعیت ذهنی و روانی مجرم، مورد توجه محاکم کیفری قرار می‌گیرد. در این مقاله تلاش شده نقش اراده در مسئولیت کیفری در فقه، حقوق کیفری ایران و فرانسه بررسی شود. قانون مجازات هرکشوری آینه تمام‌نمای ارزش‌های حاکم بر آن جامعه است بررسی تطبیقی از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند تصویر دقیق‌تری از رویکرد قانون‌گذار به بحث اراده و نقش آن در مسئولیت کیفری ارائه نماید. از طرفی نوع نگاه به نقش اراده نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در قانون‌گذاری و به دنبال آن نتیجه پرونده‌های کیفری داشته باشد. در خصوص اراده پژوهش‌های متعددی انجام شده است: مجتبی جعفری، در مقاله‌ای به بررسی ماهیت و قلمرو اراده در تحقق مسئولیت کیفری پرداخته است (جعفری، ۱۳۹۵). پیمان رستمیان، محمدحسین حجاریان و حسنعلی مؤذن زادگان نیز در مقاله‌ای، سوءنیت در اقسام جنایت در فقه و حقوق ایران را مورد بررسی قرار دادند (رستمیان و همکاران، ۱۳۹۸). در مقاله حاضر اما تلاش شده به بررسی این سؤال مهم پرداخته شود که نقش اراده در مسئولیت کیفری در فقه، حقوق کیفری ایران و فرانسه چگونه قابل تبیین است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا به بحث اراده و حقوق کیفری پرداخته شده و

در ادامه از رویکرد فقه و حقوق کیفری ایران و سپس رویکرد حقوق فرانسه در این خصوص پرداخته شده است.

## ۱- نقش اراده در تحقق مسئولیت کیفری

اراده در لغت عبارت است از خواستن، طلب کردن، قصد و آهنگ و عزم (عمید، ۱۳۸۴: ۱۰۰)، و «اراده ارتکاب جرم عبارت است از خواستن انجام عمل مجرمانه» (ولیدی، ۱۳۸۸: ۲۵۳)؛ بنابراین اگر شخصی بداند که مالی متعلق به غیر است ولی آن را بردارد مرتکب جرم شده است. بین رفتار ارادی واقعی و رفتار ارادی فرضی تفاوت وجود دارد. فرض کنید آقای الف مرتکب رفتاری شده است درحالی که به هیچ‌عنوان ارتکاب آن رفتار به انتخاب او نبوده است. همچنین، تصور کنید که آقای ب مرتکب همان رفتار شده است درحالی که انتخاب دیگری نداشته است و به اصطلاح گفته می‌شود که هرآنسان معقولی در آن شرایط نمی‌توانسته کار دیگری انجام دهد. هیچ‌کدام از این دو نفر در ارتکاب رفتار خود ظاهراً اراده‌ای نداشته‌اند اما فقط یکی از آن‌ها به استناد فقدان اراده می‌تواند از عدم مسئولیت کیفری خود دفاع کند و دیگری از این جهت شانس برای دفاع ندارد مگر آنکه به دلایل دیگر متوسل گردد. درواقع، اراده آقای الف در اینجا مفقود است درحالی که اراده آقای ب موجود بوده است. به عبارت دیگر، رفتار آقای الف واقعاً غیرارادی بوده است درحالی که رفتار آقای ب فرض بر این گرفته می‌شود که غیرارادی بوده است؛ بنابراین، وقتی گفته می‌شود یک رفتار ارادی است که به انتخاب فرد صورت گرفته باشد و زمانی گفته می‌شود آن رفتار غیرارادی است که فرد هیچ انتخابی در ارتکاب آن نداشته باشد (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۲۳). با توجه به آنچه گفته شد باید گفت رفتار ارادی غیر از رفتار التفاتی (قصدمندی) است. درواقع، ممکن است یک رفتار ارادی باشد اما قصدمند به معنای اینکه مرتکب در زمان ارتکاب عمل تحت فرمان وضعیت خاص ذهنی خود باشد محسوب نگردد. چنانکه در حالت ضرورت یا همان اضطرار فردی ممکن است مرتکب رفتاری شود که در حالت عادی جرم است اما به دلیل عذر اضطرار گفته می‌شود که عمل او عنوان مجرمانه ندارد. درحقیقت او هنگام ارتکاب این عمل قصدمند نیست هرچند دارای اراده است. به همین ترتیب، بین رفتار غیرارادی و اکراه نیز باید قائل به تفکیک بود. در حالت

قتل را استنتاج می‌کنند و چنین روشی در رویه قضایی، تثبیت شده است. با توجه به مطالب مذکور، رکن معنوی قتل عمد در حقوق کیفری ایران و فرانسه، مشابه هم می‌باشد. در حقوق کیفری فرانسه نیز، قتل به‌عمد و غیرعمد تقسیم می‌شود و قتل‌عمد نیز بر دو نوع قتل عمد ساده (عادی) و مشدد تقسیم می‌شود که ماده ۱-۲۲۱ قانون مجازات فرانسه، در مقام بیان قتل عمد است، که این نوع از قتل، همراه با کیفیت مشدده نیست و مرتکب برای انجام آن، از قبل، نقشه‌ای طراحی نکرده است و از روی بی‌عقلی و هیجان و بی‌فکری می‌باشد (Dicti Onnaire, 2004: 618). حقیقت این است که اراده به‌عنوان شرط انجام رفتاری که از لوازم مسؤولیت کیفری محسوب می‌شود ممکن است دامنه وسیع‌تر یا مضیق‌تری از آنچه در مفهوم و ماهیت اراده گفته شد داشته باشد (صابری و محمدی، ۱۳۸۴: ۶۷). از نظر حقوق دانان لیبرال این گسترش یا کاهش قلمرو اراده منبایی جز اجرای بهتر عدالت در موارد گوناگون ندارد و لذا منافاتی با مفهوم و ماهیت اراده به شرحی که گفته شد نخواهد داشت. باین‌حال، ضروری است این عقاید و درستی یا نادرستی آن‌ها را در این مجال مورد بررسی قرار دهیم تا در نهایت بتوانیم به اتخاذ برداشت واحدی از این مفهوم در نوشتگان حقوق کیفری کمک نماییم. این گفتار به بررسی دو رویکرد اساسی در این زمینه می‌پردازد. رویکرد نخست، رویکردی است که تمایل به گسترش قلمرو اراده داشته و هر رفتار ولو غیرارادی را که به دنبال رفتار ارادی تحقق یافته باشد همچون رفتار نخستین، ارادی در نظر می‌گیرد. رویکرد دوم، برعکس، باهدف تضییق قلمرو اراده رفتار ارادی را صرفاً به رفتارهایی محدود می‌کند که در لحظه انجام آن‌ها مرتکب فرصت و توانایی تطبیق عمل خود با قانون را داشته اما چنین نکرده است (کی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱/۱۲۳). از مجموع مطالب یادشده، می‌توان دریافت که اراده، به‌رغم اختلاف‌ها، همچنان محورا اصلی و اساسی مباحث در حقوق کیفری و به‌ویژه در عرصه مسؤولیت کیفری است.

## ۲- نقش اراده در مسؤولیت کیفری در فقه، حقوق کیفری ایران

بیشترین آثار مترتب بر اراده در یکی از مباحث مهمی که در حقوق جزای عمومی نیز بحث شده است مبحث عوامل

اخیر نه تنها مرتکب اراده لازم در هنگام انجام عمل را داشته است بلکه حتی ممکن است قصد ارتکاب جرم هم داشته باشد اما با توجه به اینکه تحت تأثیر اکراه قرار داشته است مسؤولیت کیفری از وی ساقط می‌شود.

به‌طور کلی، فرض بر این است که قصد و خطای ذهنی، قدرت بر جهت‌دهی اراده به سوی رکن مادی جرم است. اساساً، انسان آنگاه که در وجود خود احساس نیازی کند، راه‌های مختلف رفع نیاز را بررسی نموده و با سنجش برآیند منافع و مضرات، در نهایت عزم خویش را در قالب خواست درونی جزم می‌کند و سپس خواست موردنظر را به مرحله انجام و اجرا می‌رساند. روند یادشده، مبین توالی حالت‌های ذهنی پیچیده در اندیشه یک شخص است که در پایان در قالب وقوع رفتار خاصی تجسم می‌یابد، به‌عبارت‌دیگر، تحلیل روانی اراده و تبیین سیر شکل‌گیری آن، اصولاً در ارتباط با قوای ذهنی است. اراده، نتیجه عملکرد نیروی تعقل در انسان است که امکان درک و تصرف را برای وی فراهم می‌سازد (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۲۱-۱۴۲).

در حقوق اسلام نیز منابع موجود اهمیت ویژه‌ای برای اراده آزاد قائل شده و این امر دارای سابقه است و آیات و روایات متعددی در این زمینه وجود دارد. به‌عنوان مثال، وقتی در قرآن کریم بر حق انتخاب بین راستی و ناراستی و اسلام و کفر تأکید شده است بیانگر اهمیت ارادی آزاد و اختیار از نظر اسلام است. بدیهی است اگر فردی بدون اراده آزادکار شایسته‌ای انجام دهد شایسته پاداش نیست به همان نسبت که اگر بدون اراده آزادکار ناصوابی انجام دهد مستوجب عقاب نخواهد بود (میرسعیدی، ۱۳۹۲: ۱۷۸).

در حقوق فرانسه، رکن معنوی که داشتن قصد و عمد در فعلی چون قتل می‌باشد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. زیرا فقط همین رکن است که قتل عمد را از قتل غیرعمد و ایراد ضربات کشنده هرچند با اکراه، تفکیک می‌کند که به رکن معنوی در فرانسه، رکن ادبی نیز می‌گویند. اما باید دانست که اثبات رکن معنوی، دشوار است. زیرا به‌ندرت پیش می‌آید که مباشر به عمل خود، اقرار کند. بنابراین، قضات بر مبنای شرایط حاکم بر عمل، مثل وسیله به‌کار رفته در قتل، ارتکاب

سیل، زلزله طوفان یا از ناحیه خود یا چیزی دیگری که بر جسم مجرم وارد شده و او را وادار می‌کند تا کاری را انجام دهد یا مانع آن بشود. مانند حمله گرگی به گله گوسفندان و فرار چوپان و گوسفندان به مزرعه دیگری و تخریب مزرعه و یا مثلاً وقوع سیل یا زلزله و... باعث عدم حضور سرباز در محل خدماتش شده باشد. در اجبار مادی درون، مرتکب جرم بی‌آنکه از نظر روانی مجبور باشد. از نظر جسمی در چنان شرایطی قرار می‌گیرد که مجبور به ارتکاب جرم می‌گردد ولی این اجبار مادی با منشأ درونی گاه با اجبار روانی خلط می‌شود» (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۹۳/۲).

«اگر شخصی مجبور به ارتکاب جرمی بشود، اگر اجبار از نوع مادی یا معنوی که منشأ خارجی دارد از نظر جزایی فاقد مسؤولیت کیفری قرار می‌گیرد و همچنین اجبار مادی که منشأ آن درونی باشد اما اگر اجبار معنوی که منشأ درونی باشد عمل شخص مجبور دارای وصف فقدان مسؤولیت کیفری نخواهد بود و جرائمی که ناشی از نوعی احساس و عاطفه مانند نفرت و کینه و انتقام خشم و... باشند موجب سلب مسؤولیت مرتکب نمی‌گردند». در صورتی که فشارهای بیرونی و درونی وارد شده به شخص عادتاً قابل تحمل نباشد و همچنین خطری که شخص را تهدید می‌کند یک خطر قریب‌الوقوع باشد به نحوی که راهی جز ارتکاب فعل مجرمانه برای شخص باقی نماند و همچنین در صورتی که فعل مجرمانه حاصل خطای قبلی شخص نباشد در این صورت است که اجبار موجب می‌شود تا مسؤولیت کیفری رفع گردد.

از دیگر عوامل مرتبط با نقش اراده در تحقق مسؤولیت کیفری، اکراه است. اکراه در امور کیفری از مباحث مطرح در حقوق جزا بوده و به معنای سلب اختیار یا فشار معنوی غیرقابل تحمل و نامشروع به شخص و وادار نمودن او به انجام یا ترک فعلی است که از نظر قانون جزا، جرم به حساب می‌آید؛ مشروط به اینکه این وادار کردن با تهدید جانی یا عرضی یا مالی مهم از جانب اکراه کننده توأم باشد اکراه در لغت به معنای کسی را به‌زور و ستم به کاری واداشتن است (عمید، ۱۳۸۴)، اکراه و در اصطلاح به وادار کردن کسی به انجام کاری که به آن مایل نیست می‌گویند

رافع مسؤولیت کیفری می‌باشد که این مبحث در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ذیل فصل دوم ماده ۱۴۶ به بعد به‌عنوان موانع مسؤولیت کیفری طرح شده است عوامل رافع مسؤولیت کیفری کیفیاتی شخصی و درونی هستند که باعث تبرئه شدن شخصی از مسؤولیت کیفری می‌شوند و فرد مجازات نمی‌شود ولی مسؤولیت مدنی وجود دارد. بر اساس قانون مجازات اسلامی برای انتصاب مسؤولیت کیفری به هر شخص، عمل انجام شده نباید به واسطه اکراه (اجبار) رخ داده باشد و مرتکب باید دارای قصد و اراده آزاد باشد. بدون تحقق کامل اراده نمی‌توان مسؤولیت کیفری برای شخص مرتکب در نظر گرفت. برای اینکه اراده در شخص مرتکب تکمیل شود نیازمند وجود چهار مرحله یا شرط می‌باشد؛ (۱) ادراک: اولین قدم تحقق اراده است و اشخاصی که فاقد شعور و درک هستند هرگز نمی‌توانند دارای ادراکی در راستای انجام عمل مجرمانه‌ای باشند. (۲) اندیشیدن و تدبیر: شخص باید نتیجه عمل خود را ارزیابی کرده و انگیزه‌های مختلف دیگر را با یکدیگر مقایسه و در نهایت یکی از آن‌ها را انتخاب نماید. (۳) خواست درونی: آن عملی که شخص پس از ارزیابی و اندیشیدن آن را انتخاب می‌نماید. (۴) انجام عمل: فاعل باید عمل موردنظر خود را نهایی و به سرانجام برساند. باید توجه داشت که اراده زمانی کامل خواهد بود که دارای تمام مراحل ۴ گانه فوق باشد و در صورتی که اثبات شود شخص فاقد شرایط یکی از مراحل فوق است مانند نداشتن ادراک، نمی‌توان برای وی مسؤولیت کیفری متصور شد (میرسعیدی، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

اما فقدان اراده رافع مسؤولیت کیفری است. فقدان اراده در اشکال مختلف متصور است. یکی از اشکال فقدان اراده، اجبار است. «اجبار عبارت است از اینکه فردی دیگر را وادار کند بدون اراده و اختیار مبادرت به انجام عمل یا ترک عمل نماید. اجبار به دو شکل آشکار می‌شود؛ مادی و معنوی که مبنای هر دو حالت، اجبار ممکن است خارج از مرتکب یا از شخص وی ناشی بشود. در صورتی که اجبار ناشی از امری خارج از مرتکب باشد اجبار خارجی یا بیرونی و در مقابل، وقتی اجبار ناشی از شخص مرتکب باشد داخلی یا درونی گویند. اجبار مادی خارجی نیرویی است ناشی از طبیعت مثل،



و ترک‌واجب دایر است و چون مرجح در مقام وجود ندارد، راهی غیر از التزام به تخییر نیست و به دلیل اینکه ظلم و عدوانی نیست بر آن قصاص مترتب نمی‌باشد و لکن دیه ثابت است زیرا خون هیچ مسلمانی نباید هدر برود (خویی، ۱۳۹۱: ۲۹). قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ اکراه و امر به قتل دیگری را، توأم با یکدیگر مورد جرم‌انگاری قرار داده بود و در ماده ۲۱۱ اعلام می‌دارد: «اکراه در قتل و یا دستور به قتل دیگری مجوز قتل نیست، بنابراین اگر کسی را وادار به قتل دیگری کنند یا دستور به قتل رساندن دیگری را بدهند مرتکب، قصاص می‌شود و اکراه کننده و آمر به حبس ابد محکوم می‌گردند».

در دسته‌بندی علل رافع مسؤولیت کیفری ذیل ماده ۱۴۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ یکی از شرایط مسؤولیت کیفری اختیار باشد ولی در فصل هفتم به بعد یعنی از ماده ۳۷۵ ق.م.ا. به بعد اکراه را مجوز قتل ندانسته و مرتکب قصاص می‌شود و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می‌شود اما از علل نسبی رافع مسؤولیت کیفری می‌توان به خواب و بی‌هوشی مستی و اشتباه خواب و بی‌هوشی اشاره نمود بدین توضیح که انسان در حالت خواب و یا بی‌هوشی فاقد اراده می‌باشد قانون مجازات اسلامی جرائم ارتكابی در این حالت را فاقد مجازات دانسته است و همچنین مستی در صورت ارتكاب جرم درحالت مستی اصل بر مسؤولیت مرتکب می‌باشد. مگر آن که مرتکب خلاف آن را ثابت نماید با این توضیح که در جرم ناشی از مستی اصل بر این است که مرتکب حین ارتكاب جرم به‌طور کلی مسلوب‌الاختیار نبوده است مگر اینکه ثابت نماید در هنگام ارتكاب جرم مسلوب‌الاختیار بوده است که در این صورت قابل مجازات نمی‌باشد که این امر در ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر نقش اراده در مسؤولیت کیفری، جنون است. جنون، از اصطلاحات علم فقه بوده و به‌معنای نوعی بیماری روانی است که فرد مبتلابه آن، قادر به کنترل اعمال خود نیست. جنون گروهی از دیوانگان، اِطباقی (دائمی) و جنون دسته دیگر ادواری و مختص دوره‌های زمانی محدود و متناوب است. فقها درباره فقدان مسؤولیت کیفری برای مجنون در مورد رفتارهایی مانند زنا،

(انصاری و طاهری، ۱۳۸۴: ۴۲۱/۱). «اکراه از نظر کیفری عبارت است از فشار معنوی غیرقابل تحمل و نامشروع به شخص و وادار نمودن او به انجام یا ترک فعلی که از نظر قانون جزا جرم به حساب می‌آید» (افراسیابی، ۱۳۷۷: ۱۳۹). مشروط به اینکه این وادار کردن با تهدید جانی یا عرضی یا مالی مهم از جانب اکراه کننده توأم باشد.

از منظر فقهی، یکی از این احکام ثانویه که در طول حکم اولیه قرار دارد اکراه است که حکم اولی آن این است که در شرایط عادی و معمولی، شخص را مسؤول اعمال خود می‌داند و با اعمال گناه یا جرم بایستی مورد عقاب و مؤاخذه قرار گیرد اما شارع مقدس با در نظر گرفتن حالت دیگری در شرایط خاص و استثنایی مسؤولیت کیفری و کیفر مخالفت با حکم اولی شخص مکروه را رفع می‌نماید (انصاری، ۱۴۱۹: ۱۱۲). این احکام که دلیل آن‌ها به‌طور صریح در قرآن و سنت بیان شده است در طول زمان به احکام ثانویه تعبیر شده‌اند که باعث در نظر گرفته نشدن حکم اولی می‌شوند. در نتیجه، در فقه امامیه برای مشروعیت اکراه به احکام متعددی متوسل شده‌اند تا در صورت وقوع آن مکروه از عقوبت و مؤاخذه بری گردد (حکیم، ۱۳۷۸: ۲۷).

«از دیدگاه مشهور فقهای اسلامی، اصل، تأثیر اکراه در کلیه جرائم و سقوط مجازات و نهایتاً معافیت اکراه شونده است؛ اما جرم قتل به‌واسطه شدت قبح آن و اصرار و تأکید شارع در اجتناب از ارتكاب آن موجب استثنای این جرم از جریان اصل اکراه شده است» (خمینی، ۱۳۶۹: ۲۷۸، جبعی عاملی، ۱۳۹۱: ۷۵۷). یکی از مستندات این گروه، سوره انعام آیه ۲۵۲ است که فرموده شده: «نکشید نفسی را که خدا حرام کرده است، مگر به‌حق و کسی که مظلوم کشته شود برای ولی او قدرتی قرار دادیم پس در کشتن زیاده‌روی نکنند».

در مقابل نظر مشهور فقها، یکی از مراجع تقلید عصر ما در کتاب تکمله المنهاج، با استناد به‌قاعده تزاحم معتقد است که: «مکروه می‌تواند مرتکب قتل گردد؛ چون کسی که او را مکروه به کشتن دیگری می‌کند او را به قتل تهدید کرده که اگر این عمل را انجام ندهد، در مقابل جان اکراه شونده را خواهد گرفت. در این حال، امر در اینجا بین ارتكاب فعل حرام

قَدْف (نسبت دادن فحشا به کسی)، سرقت و ارتداد اتفاق نظر دارند و قصاص و حدود در مورد مجانین اجرا نمی‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۶۴/۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ۵۳/۷-۴۶).

از شرایط ثبوت قصاص، عاقل بودن جانی است. از این رو، قاتل مجنون قصاص نمی‌شود؛ بلکه عاقله او دیه مقتول را می‌پردازد. البته اگر قاتل در زمان ارتکاب قتل عاقل بوده و سپس مجنون شده است، قصاص می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۷/۴۲-۱۷۴).

«فقها درباره چگونگی پرداخت دیه اختلاف نظر دارند. شافعیان فعل مجنون را عمد به حساب می‌آورند و بر آن‌اند که دیه باید از اموال مجنون پرداخته شود» (شافعی، ۱۴۰۳: ۳۲۸/۷)، ولی در دیگر مذاهب اسلامی فعل عمدی مجنون مانند فعل خطایی تلقی می‌شود، یعنی باید در محاسبه میزان غرامت و تعیین پرداخت‌کننده، حکم خطاکار را در نظر داشت؛ بنابراین، عاقله (خویشان پدری قاتل که دیه بر عهده آنان است) باید دیه مجنون را بپردازد (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۸/۷).

در جنون حین ارتکاب جرم، مجنون در کلیه جرائم، به استناد ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی مسؤولیت کیفری ندارد. بر اساس ماده مذکور: «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد، مجنون محسوب می‌شود و مسؤولیت کیفری ندارد». جنون حین ارتکاب جرم با تحقق شرایط مقرر در ماده مذکور رافع مسؤولیت کیفری می‌باشد و نگهداری مجنون در محل مناسب مطابق مقررات ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی است. براساس ماده ۱۵۰ ق.م.ا و ماده ۲۰۲ ق.آ.د.ک، مجنون هیچ‌گونه مسؤولیت کیفری ندارد، لذا بازپرس قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند اما در اینجا، بعد از افاهه تعقیب و دادرسی ادامه پیدا نمی‌کند زیرا جنایات عمدی و شبه عمدی مجنون بر اساس ماده ۲۹۲ ق.م.ا خطای محض محسوب می‌گردد و دیه آن‌ها بر عهده عاقله او است.

در جنون پس از ارتکاب جرم و پیش از صدور حکم قطعی، تعقیب و رسیدگی و محاکمه چنین شخصی خارج از موازین انصاف و عدالت می‌باشد لذا در این موارد باید قرار موقوفی تعقیب صادر شود تا پس از بهبودی کامل متهم (مجنون)

تعقیب و رسیدگی به‌طور عادی و عادلانه ادامه یابد. اما براساس تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک میان جرائم قاتل به تفکیک شده به صورتی که «هرگاه مرتکب جرم، پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاهه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود، مگر آنکه در جرائم حق الناسی، شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاهه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند»، اما در جرائم تعزیری و حدود حق اللهی قرار موقوفی تعقیب بایستی صادر گردد و بعد از حصول افاهه در اینجا برخلاف جنون حین ارتکاب جرم تعقیب و رسیدگی ادامه می‌یابد.

در جنون پس از ارتکاب جرم و به عبارتی جنون پس از صدور حکم قطعی، در جرائم غیرحق الناسی بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاهه و تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود». «در جرائم حق الناسی، اگر ادله اثبات جرم به نحوی باشد که در حالت افاهه هم نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست وی ابلاغ می‌شود که ظرف ۵ روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید در صورت عدم معرفی صرف نظر از نوع جرم و میزان مجازات آن وقف مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و دادرسی ادامه می‌یابد» (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۶۷/۲).

بر اساس ماده ۵۰۵ نیز در این موارد فوق، قرار موقوفی اجرا صادر می‌گردد. به‌عنوان تکمله، هم‌چنین در ماده ۲۸۹ ق.آ.د.ک سابق مصوب ۱۳۷۸ آمده که اگر پس از رسیدگی و صدور حکم دادگاه مبنی بر اعدام، محکوم علیه مجنون شود گرچه در حین رسیدگی و زمان ارتکاب جرم آگاه بوده، مجازات اعدام تا رفع حالت جنون درباره وی اجرا نمی‌شود زیرا اعمال کیفر در حال جنون منع شده است و از طرفی هم عده‌ای بیان می‌کنند با اهداف مجازات که بازدارندگی و عبرت‌گیری اجتماعی است مغایرت دارد زیرا مجنون در حال بیماری متوجه مجازات اعمالی بر خودش نیست تا حالت بازدارندگی برایش داشته باشد و افراد اجتماع نیز بر فرد دیوانه رقت قلبی دارند و نمی‌توانند در حال محاکمه خود را جای او بگذارند و عبرت‌گیری و ارعاب از این مجازات مجنون برای سایرین حاصل نمی‌شود. اما آنچه مبرهن است این می‌باشد

که قاضی باید وفق مواد فعلی و جدیدالتصویب قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری اقدام کند.

کارشناس، برای تأیید یا رد جنون فرد ارجاع دهد» (شاکری، ۱۳۹۳: ۴۴).

به نظر فقها «اگر اجرای حدی بر شخصی واجب گردد و سپس جنون عارض وی شود حد ساقط نمی‌شود بلکه در حال جنونش حد جاری می‌شود و افاقه وی انتظار کشیده نمی‌شود» (گرچی، ۱۳۸۱: ۳۳). بر همین اساس، در مواد ۹۵ و ۱۸۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ در باب زنا و شرب خمر آمده بود: «هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی‌شود». مستند این ماده روایتی است که ابی عبیده از امام باقر (ع) نقل کرده است که «آن حضرت درباره مردی که حد بر او واجب شده بود، ولی حد اجراء نشده بود تا این که محکوم علیه دیوانه می‌شود، امام (ع) فرمود: اگر در حالت صحت عقل و بدون این که عقلش را از دست داده باشد، حد را بر خود واجب گردانیده باشد، حد بر او جاری می‌شود» (محمدی، ۱۳۶۷: ۴۲).

خواب و یا بی‌هوشی از دیگر موارد تأثیرگذار بر نقش اراده در مسؤولیت کیفری است. از آنجایی که انسان در حالت خواب و یا بی‌هوشی فاقد اراده می‌باشد قانون مجازات اسلامی جرائم ارتكابی در این حالت را فاقد مجازات دانسته است. مطابق ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هرکس در حال خواب، بی‌هوشی و مانند آن‌ها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بی‌هوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و یا خود را بی‌هوش کند. ماده ۲۹۲ قانون مذکور، نوع جنایت در حال خواب را بیان کرده است و عنوان می‌دارد: «جنایت در حال خواب، خطای محض است».

۱۳۹۲: «در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسؤول است که علاوه برداشتن علم، قصد و شرایط مسؤولیت کیفری، به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد». «از شرایط مسؤولیت کیفری شخص، عاقل بودن وی می‌باشد و در صورت جنون، وی مسؤولیت کیفری ندارد. اما ممکن است فرد ادعا نماید که مجنون بوده است، حکم این مورد در ماده ۲۱۸ قانون مذکور مقرر شده است» (شاکری، ۱۳۹۳: ۴۳). مطابق این ماده: «در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای ... وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری در زمان ارتكاب جرم را نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود ... ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود». «این ماده مطابق حدیث رفع قلم که بار تکلیف از دوش مجانین برداشته شده و هم‌چنین اصل تدرأ الحدود بالشبهات است؛ بنابراین صرف این ادعا که وی در زمان ارتكاب جرم مجنون بوده است و احتمال صدق گفته وی داده شود کافی است تا مجازات حدی درباره وی اعمال نشود» (محمدی، ۱۳۶۷: ۴۲).

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر نقش اراده در تحقق مسؤولیت کیفری، مستی است. از نگاه برخی از حقوقدانان «مستی حالتی است که شخص در اثر استعمال مواد الکلی و ساکر با امیال خود اراده خویش را دچار ضعف یا انهدام می‌کند. یا به تعبیر دیگر، مستی حالتی است که از نوشیدن مساکر مانند شراب، خمر و... در انسان پدید آید» (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۸۸). مستی حالت غیرعادی و ناپایداری است که تحت تأثیر استعمال مواد الکلی یا مخدرهای قوی ایجاد شده و عمدتاً با سرخوشی و شادمانی همراه است. مستی بر عقل و دستگاه عصابی تأثیر مستقیم دارد به گونه‌ای که قدرت تفکر و تشخیص و ادراک را کم‌وبیش از انسان سلب کرده و باوجود ضعف اراده و سستی در اعضا و بدن، فرد احساس قدرت و نیرو کرده و نظم کلامی وی دچار اختلال شده و راز نهانش را آشکار می‌سازد. در خصوص مفهوم شرعی مستی و مشتقات آن کلماتی همچون شاداب خمر، سکر و مسکر و... استعمال گردیده است.

براساس ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی: «مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان گردان و نظایر آن‌ها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتكاب جرم به‌طورکلی مسلوب

تبصره ۱ همین ماده نیز مقرر می‌دارد: «در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعا مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است». «دادگاه در این موارد می‌تواند موضوع را به



کنترل بر افعال را با مشکل روبه‌رو نماید دارای مسؤلیت است. باین‌حال مرجع قضایی می‌تواند هنگام تعیین مجازات یا اجرای آن وضعیت وی را در نظر بگیرد این ماده شامل جنون، مستی و بی‌ارادگی ناشی از مصرف موادمخدر و هرگونه بی‌ارادگی می‌شود».

شخصی در لحظه ارتکاب اعمال دچار یک اختلال روانی یا عصبی است که باعث از بین رفتن قدرت تشخیص وی یا کنترل بر اعمالش می‌شود، مسؤلیت کیفری ندارد. ماده مورد اشاره، شخصی را که در حین مستی مرتکب جرم شده است را بدین دلیل که به جهت اختلال عصبی یا روانی تشخیص وی سلب شده یا کنترل بر اعمالش را از دست داده را قابل مجازات نمی‌داند اما در صورتی که شخص در لحظه ارتکاب اعمال دچار اختلال روانی یا عصبی باشد که تشخیص وی را مختل کند یا کنترل بر اعمالش را با مشکل روبه‌رو سازد قابل مجازات می‌داند. باین‌حال مرجع قضایی زمانی را که مجازات را تعیین می‌کند در نحوه اجرای مجازات این وضعیت را درگیرد. به تعبیری دیگر علاوه بر اختلالات زایل‌کننده اختلالات کاهش‌دهنده قدرت تشخیص را نیز قانون فرانسه در قوانین جزای خود در نظر گرفته است که سبب تعیین یا تخفیف مجازات تا نحوی اجرای آن می‌شود پس اختلال روانی در این قانون اعم از جنون و مستی است و برخلاف قانون مجازات اسلامی است که هر یک از جنون و مستی را جداگانه مورد بررسی قرار داده است.

اکراه در حقوق فرانسه نیز دارای شرایطی می‌باشد که می‌تواند با توجه به مفاد ماده ۲-۱۲۲ آن‌ها را دریافت نمود. مطابق این ماده: «هرکسی تحت تأثیر اجبار (اکراه) اقدام به ارتکاب جرم نماید، درحالی‌که توانایی مقاومت در مقابل آن را نداشته باشد، فاقد مسؤلیت کیفری است». با توجه به آنچه از مفاد ماده ۲-۱۲۲ قانون جزای فرانسه استنباط می‌گردد آن است که اکراه، می‌بایست طوری در شخص نفوذ نماید که موجب از بین رفتن اراده و تهدیدی اصلی بر جان و تمامیت جسمانی وی محسوب گردد.

باین‌حال تهدید و تحریک دیگری به ارتکاب جرم غالباً با توجه به عدم همکاری محرک در ارتکاب رفتار مجرمانه و تأثیر وی بر ذهن و اندیشه مجرم اصلی به‌عنوان مصداق بارز

الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به‌منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود». پس بر اساس حقوق کیفری ایران چنانچه مستی عمداً و به‌منظور ارتکاب جرم صورت نگرفته باشد و شخص را مسلوب الاختیار کرده باشد رافع مسؤلیت کیفری می‌باشد. در واقع در صورت ارتکاب جرم در حالت مستی، اصل بر مسؤلیت مرتکب می‌باشد مگر آن‌که مرتکب خلاف آن را ثابت نماید با این توضیح که در جرم ناشی از مستی اصل بر این است که مرتکب حین ارتکاب جرم به‌طورکلی مسلوبالاختیار نبوده است مگر اینکه ثابت نماید در هنگام ارتکاب جرم مسلوبالاختیار بوده است که در این صورت قابل مجازات نمی‌باشد.

انتقاد وارده به ماده مورد اشاره این است که اگر باور بر این است که شخص مست فاقد اختیار و اراده است چگونه می‌توان شخص را که اراده و اختیاری ندارد با علم سابق مجازات کرد با این اوصاف به نظر می‌رسد باید در مورد این ابهام که شخص مست را چگونه می‌توان هم بدون قصد و اراده تلقی کرد و هم او را به علم و قصد سابق مجازات نمود، بحث کرد و یک دلیل منطقی برای رفع این ابهام در نظر گرفت با رفع این ابهام راحت‌تر با مجازات و یا عدم مجازات شخص مست می‌توان کنار آمد.

**۳- نقش اراده در مسؤلیت کیفری در حقوق فرانسه**  
در حقوق فرانسه نوعی ایجاد درخصوص نقش اراده در مسؤلیت کیفری حاکم است. بدین معنی که در قانون مجازات فرانسه ماده ۱-۱۲۲ مواردگسترده‌ای از شامل اختلالات عقلی و روانی و انواع بیماری‌های ذهنی، اختلالات زائل‌کننده، اختلالات کاهش‌دهنده قدرت تشخیص را به‌عنوان عوامل مؤثر بر اراده در تحقق مسؤلیت کیفری در نظر گرفته است که سبب تغییر یا تخفیف مجازات یا نحوه اجرای آن می‌شود. در ماده ۱-۱۲۲ این قانون آمده است: «شخصی که در لحظه ارتکاب جرم دچار اختلال روانی یا عصبی باشد به‌گونه‌ای که قدرت تشخیص یا قدرت کنترل بر اعمالش از بین برود فاقد مسؤلیت کیفری است. اگر اختلال روانی یا عصبی تشخیص شخص را مختل کند یا

می‌دارد: «اکراهی که مرتکب نمی‌توانسته در برابر آن مقاومت کند». اکراه می‌تواند به صورت انتزاعی تفسیر شود یعنی بر مبنای نیرو و توان یک شخص معمولی یا برعکس به صورت عینی یعنی بر مبنای نیرو و توان خاص شخص تحت تعقیب تعریف شود. مدت‌زمان زیادی است که شعبه کیفری دیوان عالی کشور فرانسه روش نخست یعنی تفسیر اجبار و اکراه به صورت انتزاعی را برگزیده است (لوترمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

غیرقابل پیش‌بینی بودن از دیگر شرایط تحقق اکراه است. اکراه نباید مسبوق بر ارتکاب خطای کسی باشد که ادعای اکراه را مطرح می‌نماید، بنابراین اگر ادعا کننده اجبار می‌توانسته و یا می‌بایسته خطر احتمالی را پیش‌بینی بنماید بنابراین برای فرار از مسؤولیت نمی‌تواند از اکراه استفاده کند. انعطاف‌ناپذیری دادرسان در این مورد نیز به وسیله آموزه حقوقی بیان گردیده است. به نظر می‌رسد اگر اکراه را به زمان ارتکاب بزه محدود کنیم یعنی اکراه باید در زمان انجام بزه صورت گرفته باشد، حقوقی‌تر و همین‌طور در هماهنگی بیشتری بانظریه‌های کلی مربوط به بزه خواهد بود (لوترمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

با توجه به ماده ۲-۱۲۲ فقدان اراده در حقوق فرانسه از عوامل رافع مسؤولیت کیفری می‌باشد. این ماده چنین مقرر می‌کند: «هرکسی تحت تأثیر اجبار (اکراه) اقدام به ارتکاب جرم نماید درحالی‌که توانائی مقاومت در مقابل آن را نداشته باشد، فاقد مسؤولیت کیفری است». اکراه، مفاهیمی چون قوای قهری و یا زور غیرقابل مقاومت را در بر می‌گیرد. این واژه تا سال‌های اخیر، به صراحت به وسیله ماده ۶۴ مجموعه قانون ۸۱۰ میلادی فرانسه پیش‌بینی شده بود (لوترمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۸).

از سویی دیگر، بند نخست ماده ۱-۱۲۲ مقرر می‌دارد: «شخصی که در هنگام وقوع عمل دچار اختلال روانی یا عصبی - روانی بوده که قدرت تشخیص یا قدرت کنترل بر اعمالش را زایل نموده است از نظر کیفری مسؤول نمی‌باشد». در ادامه بند دوم ماده یادشده مقرر می‌دارد: «شخصی که هنگام وقوع عمل دچار اختلال روانی یا عصبی - روانی بوده که قدرت تشخیص او را

معاونت در جرم در قوانین کیفری فرانسه بیان شده است که شرایطی نظیر فردی بودن، صریح و مستقیم بودن در تحقق آن لازم و ضروری است. باین وجود در نظر گرفتن جایگاه معاون جرم برای تحریک در تمامی موارد را نمی‌توان راهی مناسب برای تأمین عدالت کیفری دانست زیرا وجود رفتار تحریک‌آمیز از سوی محرک و تأثیرپذیری مباشر از وی در تحقق جرم سبب پیچیدگی فرایند کیفری تحقق جرم و تعیین مسؤولیت کیفری متناسب با هریک از این افراد می‌باشد که این مسأله به خصوص در مواردی که محرک نقش پررنگ‌تری نسبت به مباشر اصلی جرم در تحقق رفتار مجرمانه داشته و به عنوان هدایت‌کننده عامل اصلی تحقق جرم بوده است، نمود بیشتری دارد. مقنن فرانسوی، در خصوص این موارد اقدام به جرم‌انگاری خاص تحریک و تهدید در برخی از جرائم کرده و آن را با مباشر جرم مساوی دانسته که این موارد استثنائی بر سیستم معاونت عاریه‌ای و مسؤولیت خفیف‌تر محرک به عنوان معاون نسبت به مباشر جرم هست. اهمیت دست‌یابی به یک سیاست کیفری متناسب باتوجه به حساسیت ماهوی تحریک به عنوان یک جرم خاموش نیازمند دقت و ذکاوتی خاص در قانون‌نویسی در این رابطه می‌باشد که حقوقدانان فرانسوی با به کارگیری جرم‌انگاری تحریک و تهدید در جایگاه مناسب به سیاست کیفری متناسبی در این رابطه دست یافته‌اند. این درحالی است که تقلید نادرست از قوانین کیفری کشور فرانسه و بی‌اعتنایی قانون‌گذار در خصوص تحلیل و استدلال این مواد و اصرار بر حفظ شکل سنتی آن‌ها سبب وجود ابهامات گوناگون، عدم توجه به استفاده صحیح از الفاظ در مواد قانونی و ناتوانی در به کارگیری این عنوان مجرمانه در موقعیت‌های ضروری شده است داشتن قصد و عمد. یکی دیگر از شرایطی که می‌تواند در خصوص اکراه بر شخص اکراه شونده وارد گردد، آن است که در بروز حادثه، هیچ‌گونه قصد و عمدی در کار نباشد.

غیرقابل تحمل بودن یکی دیگر از شرایط تحقق اکراه است. اکراه خواه مادی خواه روانی نمی‌تواند به عنوان منبع عدم مسؤولیت برداشت شود مگر به شرطی که غیرقابل مقاومت (غیرقابل تحمل) بوده باشد. (کراهی که شخص در برابر آن نمی‌توانسته مقاومت کند). قسمتی از ماده ۲-۱۲۲ بیان

است و جنبه جزایی آن مورد بحث واقع، نشده است (مینا، ۱۳۹۳: ۱۷۶). مطابق ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی فرانسه بیان می‌دارد: «اکراه نه تنها هنگامی که نسبت به طرف قرارداد اعمال می‌شود موجب بطلان عقد است؛ بلکه زمانی هم که نسبت به شوهر، همسر یا اولاد یا اجداد او اعمال می‌شود، سبب بطلان عقد است» (مینا، ۱۳۹۳: ۱۷۷).

«قانون مدنی به‌طور کاملاً ماهرانه بطلان براساس اجبار را پیش‌بینی می‌کند. در این موارد بیش از اکراه که موقعیت‌های بسیار وسیعی را در برمی‌گیرد به فشار ناروا توجه می‌شود. ضمانت اجرا در مورد اجبار مانند فریب می‌باشد؛ یعنی، بطلان نسبی و جبران خسارت براساس تخلف غیر قراردادی، که البته تخلف (تقصیر) برای تحقق اجبار، عنصری ضروری تلقی می‌شود» (صالحی و فلاح، ۱۳۹۲: ۷۷). ماده ۱۱۱۲ قانون مدنی بیان می‌کند که: «اجبار وقتی به وجود می‌آید که ناشی از چیزی باشد که بر یک شخص متعارف تأثیر کند و در او ترس نسبت به ضرر قابل توجه و بالفعل بر شخص یا مالش را ایجاد نماید. در این مورد، سن، جنسیت، و شرایط شخص مؤثر خواهد بود». بنابراین، اولاً تهدید باید عملی باشد که در طرف دیگر ترس از ضرر قابل توجه و بالفعل نسبت به شخص یا مال او را ایجاد کند. «البته، این تهدید، اجبار جسمانی را در برمی‌گیرد، اما به همان شکل، شامل تهدیدات نسبت به آرامش روحی شخص (مانند تهدید به افترا) رفاه اقتصادی او نیز می‌باشد. جالب توجه این است که برخلاف فریب، ممکن است تهدید از طرف هر شخصی واقع شود، خواه طرف دیگر باشد یا غیر او و ممکن است نسبت به شخص یا همسر، اجداد یا اولاد طرف باشد. از سوی دیگر، صرف الزام اوضاع و احوال، اجبار را ایجاد نخواهد کرد مگر اینکه از سوی دیگر قرارداد مورد استفاده قرار گرفته باشد. همچنین، تهدید باید نامشروع باشد و از آنجاکه تهدید در اجبار لزوماً این‌گونه است، در رابطه با تهدید به اجرای یک حق (مانند اقامه دعوی قانونی) که به موقعیت اقتصادی طرف دیگر لطمه می‌زند این موضوع با دشواری بیشتری مطرح می‌شود» (ویت تیکر و ره پیک، ۱۳۸۰: ۱۰-۱۳). «در اینجا مجدداً حقوق فرانسه به نظریه سوءاستفاده از حق استناد می‌کند به نحوی که اصولاً، تهدید به اجرای یک حق قانونی، اجبار تلقی نمی‌شود، استثناء درجایی

خداشه‌دار نموده یا مانع از تسلط وی بر اعمالش شده است غیر قابل کیفر باقی می‌ماند». باین‌همه، دادگاه در هنگام تعیین کیفر و رژیم اجرایی آن، وضعیت یادشده را مدنظر قرار می‌دهد. الزام، زمانی در مجموعه قانون کیفری نوین نیز حفظ گردیده است. در سکوت قانون کیفری، ضرورت وجود رابطه علیت، منبعش را در ماده ۳۵- c قانون تحقیقات عام برای اجرای مجموعه قانون آیین دادرسی کیفری پیدا می‌نماید. این ماده دادرس را دعوت می‌نماید که در مورد وجود رابطه میان اختلال‌های سرزده از شخص تحت تعقیب و بزه سرکوب شده از کارشناس یا متخصص در این امر تحقیق و استفاده نماید. بدین ترتیب بر مبنای این متن برای این که اختلال روانی زمینه تخفیف مسؤلیت کیفری (عدم مسؤلیت کیفری به‌طور کامل) را به دنبال داشته باشد بایستی در ارتباط مستقیم با بزه باشد (لوترمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۷-۹۶).

فقدان اراده در حقوق فرانسه، هر چند دارای مسؤلیت کیفری نمی‌باشد، اما دارای مسؤلیت مدنی برای اشخاص بالغ است و این مفهوم از نص قانون مدنی فرانسه استنباط می‌گردد. در فرانسه به موجب ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی کلیه خسارات وارده ناشی از فعل اشخاص، با تحقق شرایط قانونی باید توسط عامل ورود زیان جبران شود. اطلاق این ماده شامل خسارات معنوی که در رابطه با اقدامات درمان، مراقبت و پرستاری معمولاً شایع است نیز می‌شود و این امر از طرف دکترین حقوقی (Bénabent, 2005: 693)، به اتفاق، مورد قبول واقع شده است. مضافاً اینکه ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه تصریح می‌کند که شاکی خصوصی می‌تواند نسبت به جبران کلیه خسارات وارده در نتیجه جرم، اعم از ضررهای مادی، بدنی و معنوی اقدام نماید (صالحی و فلاح، ۱۳۹۲: ۷۷).

در حقوق فرانسه، فقدان اراده در مواردی چون اکراه و اجبار هم چهره جزایی دارد و هم به‌عنوان عیب اراده، چهره حقوقی دارد که در خصوص محجورین و سرپرستان آن نیز حاکم است. به‌رغم اینکه در حقوق ایران، قانون‌گذار در مبحث اکراه در قتل مانند بسیاری از موضوعات به حقوق فرانسه نظر داشته است، اکراه در کتب حقوقی به‌عنوان عیب رضا مطرح شده

در قتل و دوم: اکراه در جنایت مادون نفس یا اکراه در جنایت بر عضو که هر کدام چه به لحاظ فقهی و چه به لحاظ حقوقی دارای آثار متفاوتی هستند. اکراه در حقوق فرانسه همانند تعاریفی که در حقوق ایران مطرح است، عاملی است که اراده شخص متأثر از آن بوده و به واسطه ترسی که ناشی از تهدید به ضرر است؛ شخص حاضر به انجام کاری می‌گردد. در حقوق فرانسه مبنای اکراه رویه قضایی و قوانین موضوعه عقل می‌باشد ضمن اینکه در حقوق فرانسه از دیرباز به کلمه اجبار بیشتر از اکراه پرداخته شده از این رو اکراه در کنار اجبار به کار رفته است لذا می‌توان گفت اکراه در حقوق کیفری فرانسه همان اجبار معنوی است در عین حال قانون جزای جدید فرانسه در سال ۱۹۹۲ حکم اکراه را در مبحث کلیات ماده ۲-۱۲۲ آورده است. به موجب ماده مزبور هر کسی تحت تأثیر اجبار (اکراه) اقدام به ارتکاب جرم نماید در حالی که توانایی مقاومت در مقابل آن را نداشته باشد، فاقد مسؤولیت کیفری است.

در حقوق کیفری ایران نیز باتصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ «هرگاه کسی بر اثر اکراه غیر قابل تحمل، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون مجرم محسوب شود مجازات نمی‌گردد. در جرائم موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوطه رفتار می‌شود». همان طور که ملاحظه می‌گردد مقنن اکراه را به عنوان یکی از موانع مسؤولیت کیفری بر شمرده است. همچنین «مستی و بی‌ارادگی ناشی از مصرف اختیاری مسکرات مواد مخدر و روان گردان و نظایر آن مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب اختیار بوده است». بر اساس آنچه در این قانون برای برخورد با کسانی که به مصرف مشروبات الکلی می‌پردازند و در حالت مستی ناشی از آن مرتکب جرم می‌شوند در نظر گرفته شده است چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب یا علم به تحقیق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود. مرتکب به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود. قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به درستی مستی را ناشی از مصرف سایر مسکرات غیر از الکل هم می‌داند. از طرفی قانون فوق‌الذکر در صورتی که مرتکب بدون قصد اما با علم به

به وجود می‌آید که با وسایل باهدف اجرای حق، ناشایست باشد، به طور مثال، شخص تهدید می‌کند که یک پیگیری قانونی آزاردهنده خواهد داشت یا حق خود را برای به دست آوردن بیش از طلب خود مورد استفاده قرار می‌دهد. جای تعجب نیست که موضوع مشروعیت تهدید، در موارد زیادی مورد دعوا و دادخواهی قرار می‌گیرد ثانیاً، حقوق دانان فرانسه توافق دارند که عیب اراده، طرف که اجبار، آن را ایجاد می‌کند عبارت از ترس است، ترس از ضرر مورد تهدید، مزاحم آزادی اراده طرف می‌باشد» (Bénabent, 2005: 693). از آنجاکه شرایط ماده ۱۱۱۲ قانون مدنی، در این موضوع، شفاف نیست، دادگاه‌ها در مورد این مسأله که آیا ترس ناشی از تهدید برای احراز اجبار کافی است «نظریه شخصی» را انتخاب کرده‌اند و در مورد تأثیر تهدید نامشروع به اراده شخص خاص باتوجه به قدرت شخصیت، موقعیت اجتماعی، سن یا جنسیت او مراجعه می‌کنند. در حقوق فرانسه نیز همانند حقوق ایران تشخیص وجود قوه تمیز بر عهده دادگاه است.

### نتیجه‌گیری

اراده و اختیار از جمله شرایط و ارکان مسؤولیت کیفری در حقوق فرانسه، و فقه و حقوق ایران می‌باشند و در صورت فقدان آن‌ها مسؤولیت کیفری زایل خواهد شد. در حقوق فرانسه، کسی که در اثر اکراه و تهدید جانی توسط دیگری مجبور به ارتکاب جرم می‌شود مجازات کردن آن به لحاظ عقلی جایز نیست. پذیرش این موضوع در حقوق خیلی از کشورها که منبعث از احکام شرعی نبوده؛ دال بر پذیرش عقل‌بشری در این خصوص می‌باشد. در حقوق فرانسه مستند به ماده ۲-۱۲۲ قانون جزای سال ۱۹۹۲؛ اکراه نیز به دو قسم مادی و معنوی تقسیم می‌شود. زیرا بنا به ماده مذکور اکراه مادی در حقوق فرانسه آن‌چنان فشاری است که بر جسم شخص وارد شده و قدرت هرگونه عکس‌العملی را از وی سلب می‌کند مضاف بر اینکه اکراه معنوی نیز نیرویی است که به لحاظ روانی می‌تواند بر فرد اثر گذاشته و باعث رفع مسؤولیت کیفری وی شود. اکراه موضوع جنایت علیه تمامیت جسمانی از دو منظر فقهی و حقوقی قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است. اول: اکراه در جنایت علیه نفس یا اکراه

**سهام نویسندگان:** در این پژوهش، نویسنده اول به‌عنوان نویسنده مسؤول و نویسندگان بعدی به‌عنوان همکار می‌باشند.

**تشکر و قدردانی:** لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

### منابع و مأخذ

#### الف. منابع فارسی و عربی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، چاپ ششم، تهران: نشر میزان.

- افراسیابی، محمد اسماعیل (۱۳۷۷). *حقوق جزای عمومی*. چاپ اول، تهران: انتشارات فردوسی.

- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۹). *فوائد الاصول*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.

- انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی (۱۳۸۴). *دانشنامه حقوق خصوصی*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات محراب فکر.

- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن محمدعلی (۱۳۹۱). *الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیة*. قم: دآوری.

- جعفری، مجتبی (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی حقوق کیفری (رویکرد انتقادی به حقوق کیفری)*. چاپ نخست، تهران: نشر میزان.

- جعفری، مجتبی (۱۳۹۵). «تأملی در ماهیت و قلمرو اراده در تحقق مسؤولیت کیفری». *مجله پژوهش حقوق کیفری*، ۱۵: ۱۲۱-۱۴۲.

- حکیم، محسن (۱۳۷۸). *حقوق الاصول*. جلد اول، چاپ نخست، قم: نشر دارالعلم.

اینکه در نتیجه مستی مرتکب جرم شود خود را مست‌کند و مرتکب جرم نیز شود بازهم نمی‌توان به مستی استناد کرد و به مجازات هردو جرم شرب خمر و جرم ارتکاب یافته محکوم خواهد شد. در نظام حقوق فرانسه نیز مستی غیرارادی در تمام جرائم رافع مسؤولیت است و مسؤولیت را از مرتکب مست سلب می‌کند اما مستی ارادی رافع مسؤولیت کیفری نیست مگر با دو شرایط اول با جرائم با سوءنیت خاص به‌شرط اینکه مستی عنصر روانی جرم را زایل کند و دوم اینکه مستی همانند یک بیماری روانی و جنون تلقی شود مستی به‌قصد ارتکاب جرم در این نظام تأثیری در مسؤولیت کیفری مرتکب مست نمی‌باشد.

در تحلیل نقش اراده در تحقق مسؤولیت کیفری در حقوق ایران باید گفت که عنصر معنوی رکن رکن هر جرم است و تا زمانی که فکر مجرمانه در ذهن شکل نگیرد و این فکر مجرمانه مورد تجزیه و تحلیل مرتکب قرار نگیرد سپس عزم ذهنی جرم را برای تجلی بخشیدن و ظهور و بروز عالم مادی و بیرونی جزم نکرده باشد اراده نمی‌تواند نقض قانون کند. اگرچه اراده امری نامرئی است و همیشه باید اراده‌ای برای جرم باشد که پس از آن عنصر روانی واری واری گردد اما آنچه باید مدنظر قانون‌گذار قرار می‌گرفت و متأسفانه مغفول واقع شده است، نقش اراده در عوامل رافع مسؤولیت کیفری است که بسیار کم‌رنگ در قانون نمود پیدا کرده است، بدین توضیح که در برخی مواد قانونی رفع مسؤولیت جزایی قانون‌گذار سلب این مسؤولیت را به‌عهده مرتکب قرار داده و این موضوع به‌دوراز انصاف است چراکه مرتکب اغلب اوقات فاقد ابزارهای لازم تحقیق کارگهان حرفه‌ای پلیس دسترسی به اطلاعات افراد مظنون جهت بری نمودن خود از اتهام است نتیجه این‌که اراده جایی در عنصر معنوی ندارد و بحث راجع به مبانی مسؤولیت جزایی و این‌که پل ارتباطی بین عمل شخص و کیفر مسؤولیت جزایی است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.



- خویی، ابوالقاسم (۱۳۹۱). *تکمله المناهج (قصاص)*. ترجمه خلیلی قبله‌ای خویی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- رستمیان، پیمان؛ حجاریان، محمدحسین و مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۸). «بررسی سوءنیت در اقسام جنایت در فقه و حقوق ایران». *مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ۴۴: ۹۳-۱۱۹.
- زحیلی و هبه، مصطفی (۱۴۱۸). *الفقه الاسلامی و ادلته*. جلد هفتم، دمشق: نشر دار الفکر المعاصر.
- شافعی، محمد بن ادریس (۱۴۰۳). *الام*. جلد هفتم، بیروت: دارالفکر.
- شاکری، ابوالحسن (۱۳۹۳). *جزوه حقوق جزای عمومی*. چاپ اول، بابلسر: نشر دانشگاه مازندران.
- صابری، سید مهدی و محمدی، محمدرضا (۱۳۸۴). *نگرشی نو به روان‌پزشکی قانونی*. چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تیمور زاده نشر طیب.
- صالحی، حمیدرضا و فلاح، محمدرضا (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی مسؤولیت مدنی پرستاران در حقوق ایران و فرانسه». *فصلنامه حقوق پزشکی*، ۷(۲۶): ۷۷-۹۲.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. جلد هفتم، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- عمید، حسن (۱۳۸۴). *فرهنگ فارسی عمید*. چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۹۲). *مبانی جرم‌شناسی*. جلد اول، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۱). *حدود و تعزیرات و قصاص*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لوترمی، لورانس و کلب، پاتریک (۱۳۸۷). *بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه*. ترجمه محمود روح‌الامینی، چاپ اول، تهران: میزان.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: انتشارات استقلال.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۶۷). *حقوق کیفری اسلام*. ترجمه کتاب حدود و تعزیرات، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۹). *تحریر الوسیله*. چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- میرسعیدی، سید منصور (۱۳۹۲). *مسؤولیت کیفری (قلمرو و ارکان آن)*. جلد اول، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- مینا، محبوبه (۱۳۹۳). «شرایط تحقق اکراه در قراردادها در حقوق ایران، فرانسه و مصر». *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۲: ۱۷۶-۱۷۷.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. جلد چهل و دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۸). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*. چاپ چهارم، تهران: نشر جنگل.
- ویت‌تیکر، سیمون و ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۰). «عیوب اراده در حقوق فرانسه». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی*، ۲۳: ۱۰-۱۳.

#### ب. منبع فرانسوی

- Bénabent, A (2005). *Droit Civil*. Paris: Éditions LGDJ.

- Ghorban Nia, N (2009). "Considerations regarding the World Declaration on Bioethics and Human Right". *Ethics in Science and Technology Quarterly*, 4(1): 133-138.
- Lang Mans, E(2019). *Medical Embryology*. Thirty-third ed., New York: Oxford University.
- Meselson M (1961)."Weigle J J. Proc Natl". *Acad Sci USA*,15(47): 857–.868
- Patterson, D (1987). *Principles and foundations of genetics*. 1<sup>st</sup> ed., Tehran: Farhang and Honar Publications.
- Rasekh, M & Khodaparast, AH (2010). "The Realm of Bioethics". *Fertility and Infertility Quarterly*, 11(4): 278-277.
- Salabaro F(2003). *Ethical Laws*. 1<sup>st</sup> ed., Tehran: Legal Publications.
- Skage, J (1998). *Law- Ethics and Medicine*. 1<sup>st</sup> ed., Tehran: Paya Publications.

